

دکتر اصغر تبریزی

استاد دانشگاه اصفهان

## نگاهی از نزدیک به نظام آموزشی آمریکا

## گزارشی از يك مأموریت مطالعاتی

قبل از هر چیز لازم میدانم دو نکته را روشن سازم: اینجانب نه متخصص امور اداری و تشکیلات مملکتی آمریکا هستم و نه کارشناس نظام آموزشی این کشور میباشم. اما طی یکسال گذشته آموزشی که از جانب دانشگاه اصفهان، با استفاده از فرصت مطالعاتی، به این کشور اعزام شده بودم، این امکان برایم دست داد که از نزدیک با چند دانشگاه و کالج امریکائی آشنا شوم. آنچه در ذیل میخوانید حاصل مشاهدات و تجربیاتی است که اینجانب در عرض این یکسال با شرکت در کلاسهای درس و بازدید از مؤسسات آموزشی نظری و عملی امریکا بدست آورده‌ام.

از طرف دیگر لازم به یادآوری است که تحلیلی که از اینجانب در اینجا از نظام آموزشی امریکا بدست میدهم، نه يك مدح و نه يك انتقاد از نظام اخیر است بلکه تنها هدفش وارد کردن خواننده به تفکر و تعمق با مقایسه آن با نظام آموزشی برقرار در کشورمان میباشد و بس.

ایالات متحده امریکا حقیقتاً - بویژه در آنچه که مربوط به قانون عمومی کشوریش میشود - کشوری یکپارچه و متحد است. برابر نص قانون اساسی

امریکا که در طول دو قرن که از عمر این کشور میگذرد تقریباً بلا تغییر مانده ( با رویهمرفته بیست و پنج اصلاحیه اگر اشتباه نکنم ) ، آموزش و پرورش کلاً متعلق به ایالات آن میباشد: قوه مجریه فدرال - بویژه رئیس جمهوری ایالات متحده که در دنیا به مقتدرترین مرد شهرت - عملاً در برخی زمینه‌ها دستهایش بسته بوده و در زمینه آموزش و پرورش بالاخص هیچگونه اختیاری ندارد .

تنها کاری که او احیاناً میتواند در زمینه اخیر انجام بدهد عبارت از تخصیص اعتباری است که براساس برنامه‌هایی درازمدت از روی بودجه قابل برداشت میباشد. لیکن او نمیتواند هیچ دستوری در این باره صادر کند. از سوی دیگر، دیوانعالی کشور قادر است با تفسیر نص متن قانون اساسی بر حسب اوضاع و احوال اجتماعی ، به پاره‌ای از اصول بزرگ انسانی قدرت قانونی بخشد . بدین ترتیب بود که متجاوز از ده سال پیش اعمال هرگونه جدایی نژادی در مدارس دولتی (۱) ، بنام قانون اساسی ممنوع اعلام شد .

در امریکا کسی بنام وزیر آموزش و پرورش وجود ندارد : بلکه یکنفر بتهائی کارهای دو وزارتخانه را با سمت وزیر آموزش و تندرستی و رفاه عهده دار است که در زمینه آموزش اختیاری بجز تهیه آمار و مباشرت اعتبارات مقرر از جانب ریاست جمهوری (که نسبت به امکانات مالی ایالات در زمینه یاد شده مبلغ ناچیزی را تشکیل میدهد) ندارد .

بدین حساب در امریکا برای آموزش و پرورش هیچگونه سیستم قضایی

---

(۱) یا مدارس باصطلاح « عمومی » ( Public Schools ) - این تصمیم تا حدودی شامل حال مدارس خصوصی ( Private Schools ) نیز میشد ، اما در اینگونه مدارس ضابطه اصلی برای پذیرش محصل همواره تمکن مالی او بوده و هست .

در نظر گرفته نشده است. لیکن هر ایالت در این مورد قوانین و مقررات ویژه خود دارد که توسط پارلمان همان ایالت (که شامل اطاق نمایندگان و سنا میباشد) با اخذ آراء وضع میگردد. البته مشابهتها زیادی بین ایالات مختلف امریکا وجود دارد ولی در عین حال و بهمان نسبت تفاوتهایی نیز میان آنها مشهود است. بعنوان مثال میانگین وضع آموزش چه بسا در این ایالت عالی و در آن یکی پائین تر از متوسط و حتی بد باشد که دلیل این اختلاف فاحش را باید در نوع سیاست اعمال شده و نیز در میزان سرمایه گذاری توسط این دو ایالت در زمینه مذکور جستجو کرد. الآن هر يك از ایالات امریکا دارای حد اقل يك دانشگاه دولتی میباشد و در مورد خاص ایالت کالیفرنیا ما شاهد يك تشکیلات معظم دانشگاهی هستیم که از حیث تعداد و اهمیت در تمام امریکا و شاید در سراسر دنیا بی نظیر است. اما نباید تصور کرد که حد اقل يك دانشگاهی دولتی برای هر ایالت امریکا يك امر صد درصد اجباری است بلکه این وضعی است که امروزه در این کشور میتوان دید و شاید بجرأت بشود گفت که اینگونه پیش آمده است. دانشگاههای دولتی که تا جنگ اخیر جهانی نسبت به دانشگاههای خصوصی در اقلیت بودند، از آن تاریخ ز قیامت سختی را جهت برابری با این دانشگاهها آغاز نمود و اکنون حتی در برخی از موارد بر آنها پیشی گرفته اند. این بویژه در مورد شهر دانشگاهی «برکلی» و بطور اعم برای هر دانشگاه دیگر ایالت کالیفرنیا صادق است.

و اما در آنچه که مربوط به آموزش در دوره های ابتدائی و متوسط میشود،

واحد اداری آن همان کانتی «County» میباشد که چیزی است «بخش» ما بوده و مستقیماً توسط ساکنان آن، البته در چهارچوب قوانین جاری دولت،

اداره میگردد .

بودجه نظام آموزشی هر ایالت از محل مالیات همان ایالت تأمین میشود (۱) که در برخی موارد، مالیات بخش نیز بآن علاوه میگردد . بنا بر این مالیات، قسمت مهمی از بودجه هر ایالت از ایالات امریکا را تشکیل میدهد .

مدیریت نظام آموزشی برای دوره های ابتدائی و متوسطه بطور کلی با بخش یا کانتی « County » و در مورد شهرهای بزرگ در حدود اختیارات حوزه شهری است . در انتخابات کانتی « County » در جنب اعضای انجمن « کانتی » که از میان خود، افراد لازم جهت واحدهای مختلف را برمیگزینند، معمولاً یک نفر بسمت « کارپرداز کل » و در کنار او کمیته ای بنام « کمیته آموزش » برای کنترل او انتخاب میشوند . گاهی در شهرهای بزرگ ، این کارپرداز کل مدارس از جانب شهردار منصوب میگردد . برای انتخاب و یا منصوب شدن بسمت اخیر هیچ مدرک و عنوان خاصی مطالبه نمیشود ، ( و این نکته ایست که در نظام مملکتی امریکا بطور کلی مرعی است چه در ، مدرک و عنوان ر این کشور تنها یکی از هزاران عامل اطلاعاتی میباشد و پس ) - لیکن بدیهی است که داشتن یک مقدار صلاحیت ، خواه در زمینه آموزشی و خواه در امرر اداری ، از جانب دارنده این سمت همواره ملحوظ و مورد انتظار میباشد . طبعاً اگر یک شهردار ، کارپرداز ناصالحی را به این سمت منصوب کرده باشد ، این کار در انتخاب بعدی به زیان خودش تمام خواهد شد . ذکر یک مورد از دقت بسیاران شهرداران در این انتصاب ، میتواند روشنگر بسیاری از چیزها در تشکیلات عریض و طویل اداری ایالات متحده امریکا باشد :

۱ - میزان این مالیات اغلب بیشتر از نصف کل مالیات فدرال است .

آخرین کارپرداز کل مدارس در « بوستون » که از طرف شهردار این ایالت به سمت مزبور منصوب شده است یک معلم قدیمی و مؤلف پر فروشترین اثر درباره مسائل نظام آموزشی بوده و از طرف دیگر دارای سوابق درخشانی در زمینه امور اداری و مدیریت میباشد. از هیأتی بنام هیأت بازرسان در نظام آموزشی امریکا، نه در زمینه آکادمیک و نه در قسمت امور اداری، خبری نیست. هر مدرسه عمومی ( دولتی )، تحت سرپرستی یک مدیر که از جانب مقامات « کانتی » تعیین میگردد، پیاری یک شورای خانواده که در حل و وصل امور اداری مدرسه فعالانه شرکت دارند و با همکاری تنها و یا سه نماینده از جانب هیأت آموزشی، حیاتی کاملاً مستقل و خود مختار دارد. در سطح مدارس ابتدائی و متوسطه امریکا علاوه بر آنچه در بالا گفته شد، شورائی بنام « شورای فعالیتهای آموزشی و تحصیلی » نیز وجود که مرکب از دانش آموزان زبده و معلمین میباشد؛ اما این شورا دخالتی در امور اداری و مسائل اقتصادی و مالی مدرسه ندارد. ناگفته نماند که صرف برگزیده شدن بعنوان نماینده دانش آموزان برای شرکت در این شورا فی نفسه امتیاز بزرگی برای این نمایندگان تلقی میشود و با انعکاس آن در پرونده وی، بعدها راهگشای مؤثری برای او در ورود به بازار کار خواهد بود.

ادیان اهل جهان را یکبار قسمت کنند بدو نوع : مذاهب بدویه و مذاهب راقیه و دیگر بار تقسیم کنند بدو نوع : مذاهب حیه و مذاهب منقرضه.  
( تاریخ ادیان )